



تأثیرات درازمدت انتقاد مخرب بر کودکان / چگونه یک کودک بدخواه بار می آید

کودکی که پیوسته و به طور مخرب مورد انتقاد قرار می گیرد، با میل به بدی کردن، با اندوهی مبهم و با این احساس بار می آید که دنیایی که در آن زندگی می کند، دنیای تکرار اشتباهات است.

کودکی که پیوسته و به طور مخرب مورد انتقاد قرار می گیرد، با میل به بدی کردن، با اندوهی مبهم و با این احساس بار می آید که دنیایی که در آن زندگی می کند، دنیای تکرار اشتباهات است. به گزارش خبرگزاری مهر، شایع ترین و شناخته شده ترین تأثیرات انتقاد مخرب در درازمدت می تواند بر تمامی جنبه های رشد کودک اثر مخربی بگذارد. تمایل به دوری جستن و یا فرار از شخص انتقاد کننده، پرهیز از وضعیت و شرایطی که انتقاد در آن صورت می گیرد، از جمله اثرات انتقاد مخرب است. به عنوان مثال؛ پدر و مادری که فرزند خود را به خاطر ترس از یاد گرفتن شنا مورد تمسخر قرار می دهند، ممکن است برای همیشه او را از شنا بیزار کنند و یا معلمی که با خشونت از درس ریاضی شاگردی انتقاد می کند، نه تنها او را از درس ریاضی بیزار می کند، بلکه چه بسا این بیزاری را نهایتاً به تمام دروس و معلمین او تعمیم می دهد.

تعداد کمی از کودکان قدرت مبارزه و یا حتی اعتراض دارند و یک کودک آنقدر تجربه به دست نیاورده که به قضاوت خود اعتماد داشته باشد. هر چه به او بگویند می پذیرد و به گونه ای شگفت آور به دانش و قدرت بزرگسالانی که در اطراف او هستند ایمان دارد. کودکی که بیش از حد در معرض انتقاد قرار دارد به تدریج عادت می کند که به نوبه خود از دیگران انتقاد کند. یکی از موثرترین راههای یادگیری کودکان روشی است که روانشناسان آن را "سر مشق گرفتن" می نامند.

اگر شخص مهم یا قدرتمندی در زندگی کودک هست که طرز صحبت یا رفتار خاصی دارد، کودک نیز با تقلید کردن به احتمال زیاد یاد می گیرد که مانند او از دیگران انتقاد کند. متأسفانه کودک هر چه بیشتر رفتار آموخته شده را "تکرار" کند و در روابط اجتماعی به کار برد، امکان اینکه آن را به زندگی بزرگسالی خود منتقل کند بیشتر می شود. پدر یا مادری که خود در دوران کودکی والدینشان به هر بهانه ای از آنها ایراد می گرفتند احتمالاً آنها نیز این کار را با فرزندان خود خواهند کرد.

بعضی از اوقات انتقاد مخرب منجر به ایجاد الگوها و واکنشهای عاطفی بیمارگونه ای مانند گریه، خشم اضطراب و زود رنجی می شود و کودکان ممکن است به سادگی انتقاد را به نوع دیگری از تنبیه، تعبیر و تفسیر کنند و حق هم دارند. این گونه احساسات منفی جلوی رفتار سازنده را می گیرد. بسیاری از اوقات، انتقاد مخرب و مداوم از کودکان سبب از هم گسیختگی عاطفی در تمام خانواده می شود. و از آنجا که انتقاد معمولاً تأثیری در طرز فکر و رفتار یک نوجوان ندارد، پدر و مادرها یکدیگر را به خاطر نتیجه نگرفتن از انتقاد ملامت می کنند، و همین ملامت، مقدمه تنشهایی می شود که غالباً به سایر جنبه های روابط زن و شوهر تعمیم می یابد. کودک هم رنج می برد، زیرا فضای خانه آلوده به جنگ و ستیز است.

پدر و مادر عصبانی، معمولاً برای اکثر تخلفهای واقعی یا واهی، شروع به انتقاد از کودک می کنند و بدین ترتیب روز به روز بر فاصله عاطفی بین پدر و مادر و فرزند افزوده می شود. کودک اطمینان خود را به علاقه و عشق بی قید و شرط پدر و مادر که حق طبیعی هر کودکی است، از دست می دهد و مایوس و غالباً ناموفق برای بدست آوردن تایید پدر و مادرش می کوشد. برای اینکه دوستش بدارند، ممکن است ناخودآگاه چنین استدلال کند که من باید به انتقادها توجه کنم. اما چون هیچ یک از کارهای من درست نیست و انتقاد به همان شدت ادامه دارد، پس معلوم است که "من لایق دوست داشتن نیستم" احتمال ضعیفی وجود دارد که کودک به خاطر ترس از انتقاد کسانی که برای او مهم هستند رفتار جدیدی در پیش گیرد.

انتقاد مخرب به عزت نفس پدر و مادر و کودک هر دو صدمه می زند. پدر یا مادری که دائماً از فرزند خود انتقاد می کنند، در خوش

بینانه ترین حالت ممکن خود را پدر یا مادری بی هویت و فاقد نفوذ و در یک تفسیر منفی "پدر و مادری بد" می بینند این تصویر آزار دهنده، ممکن است سالها در ذهن باقی بماند.

کودکی که پیوسته و به طور مخرب مورد انتقاد قرار می گیرد، با میل به بدی کردن، با اندوهی مبهم و با این احساس بار می آید که دنیایی که در آن زندگی می کند، دنیای تکرار اشتباهات است. تحقیقات نشان داده کودکانی که مورد انتقاد قرار می گیرند احساسی را در خود می پرورد به نام "من بد". کودکانی که در سنین قبل از مدرسه هستند اگر والدینشان جزو این گونه انتقاد کنندگان باشند، ممکن است به تعبیر روانشناسان "بدخواه" بار بیایند. آنها برای توجیه خودشان پیوسته به جستجوی جنبه های منفی شخصیت دیگران مشغول هستند.

در نتیجه کودکان هیچ گاه حتی در بزرگسالی این انتقادات را هرگز فراموش نمی کنند. پژوهش های علمی ثابت کرده که هر تجربه ای برای همیشه در بایگانی مغز انسان ثبت می شود و مغز انسان انباشته از سخنانی است که پدر و مادرها صرفا به منظور تحقیر و سرزنش بچه ها بیان داشته اند و والدینی که معتقدند که انتقاد به کودک کمک می کند که در بزرگی، رفتار صحیحی در پیش گیرد و بتواند مورد علاقه و احترام دیگران واقع شود و در نهایت در جامعه موفق باشد سخت در اشتباه هستند. بدتر اینکه برخی از والدین به انتقاد کردن عادت کرده اند که بسیاری از والدین واقعا از آنچه که انجام می دهند آگاهی ندارند بنابراین باید دانش خود را در رابطه با تربیت کودکانمان بالا ببریم تا دچار خسران نشویم.